

## منشآت؛ قلم تاریخ (۲)

شماره ۳۲ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ویژه منشآت تاریخی بود. اکنون دومین بخش نیز تقدیم خوانندگان عزیز می‌گردد. چنانکه در نخستین ویژه‌نامه منشآت متذکر شده‌ام، میراث غنی و پرارزشی که از منشآت فارسی در دست داریم جای آن دارد که با نظر دقت و تأمل بیشتری درباره آن نگریسته شود. منشآت دربردارنده قسمت مهمی از زندگی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گذشته ماست. غرض اصلی از فراهم آوردن این چنین مجموعه‌ای تذکر این نکته اساسی است که برای تحقیق در وجوه مختلف تاریخ ایران، منابع متنوع و متعددی داریم که می‌توانند اطلاعات گسترده‌ای در جهات گوناگون در اختیار محقق بگذارند. این نکته از این حیث شایسته توجه بیش از پیش است که تحقیقات مربوط به تاریخ ایران بیش از حد نیاز طی عصرها و نسل‌های متوالی صورت تاریخ سیاسی صرف داشته است. هرچند تاریخ سیاسی و بطور کلی وقایع‌نگاری شأن خاص خود را دارد و ضرورت وجودی آن محل انکار نیست اما بسنده کردن بدان و یا متوقف شدن در آن موجب شده است تا تحرک و پویایی لازم در تحقیقات تاریخی ما کمتر فرصت ظهور و بروز پیدا کند. در نتیجه چنین وضعی باعث می‌شود طرح‌افکنی، قالب‌شکنی و ارائه مضامین نوین و عرضه اندیشه‌های جدید مجال کافی در بازنگری به تاریخ گذشته ما چهره غالب تحقیقات و تالیفات را شامل نشود. چنین وضعی موجب شده تا تاریخ دیرپا، پرفراز و نشیب و مشحون از مسائل فکری، فرهنگی، مدنی و هنری در نظر عده‌ای که بیشتر دانشجویان و جوانان هستند، فاقد تحول و تحرک و مفاهیم پویا و قابل تأمل جلوه کند.

نگاهی به تجربه تاریخ‌نگاری آنالز و نیز مکاتب تاریخ‌نگاری دیگری که در سده اخیر در مغرب زمین پدید آمده و حتی نگاهی به تحقیقات تاریخی و فرهنگی که در کشورهای همسایه ایران اعم از ترک و عرب و روس و هند صورت می‌گیرد به خوبی به ما نشان خواهد داد که ضروری است روش‌ها و عرصه‌های تحقیقاتی خود را متحول سازیم؛ سخن نو بگوییم و مجهز به اندیشه‌ها و ابزارهای نوین گردیم. تاریخ ما قدیمی، پرافتخار، کهنسال و غنی است اما این بخودی خود کافی نیست. تاریخ و فرهنگ ما امروز با این ضرورت روبروست که باید از بطن و متن آن کشفیات تازه صورت گیرد، بازشناسی مکرر این میراث فرهنگی و عرضه آن مطابق نیازهای نو، پرسش‌های جدید، مسائل دنیای کنونی و انتظاراتی که عصر ارتباطات دارد یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. با چنین نگرشی کتاب ماه تاریخ و جغرافیا بر آن است که با معرفی بخشی از میراث پرارزش «منشآت تاریخی» متذکر ارزش تحقیقی چنین منابعی نزد دانشجویان و اهل تحقیق باشد. بسیاری از اطلاعات مربوط به تاریخ ایران، بخصوص اطلاعات حساس، دقیق و تعیین‌کننده در خلال متون وقایع‌نگاری و تاریخ سیاسی نیست، بلکه با بکارگیری منابعی چون پندنامه‌ها، دیوان‌های شعرا، سیرالملوک‌ها، منشآت و منابعی از این قبیل بدست می‌آیند. لازم است بهره‌گیری از منابع معروف و متداول تاریخ سیاسی را خیلی زود پشت سر گذاشت و وارد مرحله بهره‌برداری از متون دیگر تاریخی و ادبی شد. این خود به ما، هم موضوعات تحقیقی جدید را عرضه خواهد کرد و هم راهگشای پاسخ به سؤالات تحقیقی فراوان و تازه درباره تاریخ و فرهنگ ایران خواهد شد.

رسیدن به نوعی آنالز ایرانی که منطبق با امکانات و مقتضیات تحقیقی ما باشد، روز به روز بیشتر احساس می‌شود و امید است با گام برداشتن در این مسیر هرچه بیشتر بتوانیم به شناخت تاریخ و فرهنگ این سرزمین توفیق یابیم. آنچه که در کتاب ماه تاریخ و جغرافیای شماره ۳۲ از کتابهای منشآت بررسی و معرفی شده بود ادامه آن در این شماره آمده است. کتابشناسی مفصلی نیز تهیه شده که در همین شماره ملاحظه می‌کنید. امیداست این اقدام موجب وقوف بیشتر بر این منابع و به‌کارگیری وسیع‌تر آنها در امور تحقیقی و تالیفی گردد.

در این کتابشناسی سیری تاریخی نشان داده شده که چگونه منشآت به مکتوبات تاریخی و سرانجام نامه‌ها مبدل شده است. در این سیر سرانجام به اسناد آرشویی نزدیک می‌شویم و لذا در همین جا بررسی خاتمه می‌یابد و فصل جدیدی گشوده می‌شود. زحمت تهیه این کتابشناسی را محقق پرتلاش آقای نصرالله صالحی کشیده‌اند که از ایشان تشکر می‌کنم.

دکتر عبدالرسول خیراندیش

